

۲۵۶۱۴۱۴
بسم الله الرحمن الرحيم

ای کاش آینه...

www.ketab.ir

منبأ شد

ابوالفتح کرمی

مکتب سوره مجید

تهران

۱۴۰۲

سرشناسه	: کرمی، ابوالفتح، ۱۳۲۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: ای کاش آیینہ.../مجموعه شعر/ابوالفتح کرمی
مشخصات نشر	: تهران: ستاره جاوید، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۹۴ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۵۴-۵۷-۱
فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: شعر فارسی- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: pir۸۳۵۸
رده بندی دیویی	: ۸۶۲/۱
شماره کتابشناسی	: ۹۵۲۹۸۷۱
ملی	

ای کاش آیینہ... منتخب اشعار ابوالفتح کرمی



انتشارات ستاره جاوید

www.setarejavid.ir

تهران: خیابان امام خمینی-بین خیابان رودکی و خوش کوچه شهید رحیمی
بن بست امیری پلاک ۱۰ واحد ۳ تلفن: ۰۲۱-۶۶۳۶۷۶۶۳

شاعر: ابوالفتح کرمی

تمام حقوق مادی و معنوی متعلق به شاعر است

© حق چاپ: ۱۴۰۲، انتشارات ستاره جاوید

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۲

طرح جلد و صفحه آرایی: آتلیه انتشارات ستاره جاوید

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۸-۵۷-۱-۶۲۵۴

لینتوگرافی و چاپ: مجد

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

بها: ۴۰۰۰۰۰۰ ریال

نام و نشان سروده ها

۱. نگاهم کن/بیا به باغ دلم آشنا ، نگاهم کن/۷
۲. مردم/قسم بر تندر و باد و تلاطم/۸
۳. عشق افسانه ای/از آن زمان ، که چشیم ، شراب دیدارت/۹
۴. آزادگی جاودانه/پاییز ، بر شروع خزان ، باز ، زد کلید/۱۰
۵. می آید آن عزیز/امشب گنشت و باز نیامد سر قرار/۱۱
۶. درخواست/تقدیر را گو بی غم تکلم کن امروز/۱۲
۷. عشو/مشاطه و ارکوشش بسیار می کنی/۱۳
۸. وهم و گمان/از لحظه ای که ما به جهان پا نهاده ایم/۱۴
۹. رواندید/بر این پرنده بال پرین روا ندید/۱۵
۱۰. خاطره ها/تا راه سوی خاطره ها باز می کنم/۱۶
۱۱. جدانی/بارفتن اش ، خدا ، دلم اشوب می شود/۱۷
۱۲. حالم به هم مریز/حال مارا ، تو چرا ، گاه به هم می ریزی/۱۸
۱۳. بی توجهی/یارم چرا به مرز تفاهم نمی رسد/۱۹
۱۴. گم کرده ام/در پیچ و خم جامانده ام ، پایانه را گم کرده ام/۲۰
۱۵. گناه شرم/گفتم به اشتباه خود قرار کرده ام/۲۱
۱۶. در هاله ی رویا/بر مشامم بوی دریا خورده بود/۲۲
۱۷. کبوتر خونین/کنون که جای تو ای یار/مهربان خالیست/۲۳
۱۸. ای نسیم/بی قرارم ، بی قرارم ، ای نسیم/۲۴
۱۹. گم کرده ام/من ترا در ابرهای بی کران ، گم کرده ام/۲۵
۲۰. بی تو میمیرم مرو/باتو نورم ، بدر ماهم ، بی تو میمیرم مرو/۲۶
۲۱. نقش خیال/در خیالم نقش جانان می کشم/۲۷
۲۲. دلم گم شد/دلم گم شد ، دلم گم شد ، دلم آن پر بها گم شد/۲۸
۲۳. بوی سیب خاطره/از نیش یک گلایه چه مغشوش می شوی/۲۹
۲۴. تخریب فرهنگی/از دیار عاطفه ، مهر و وفا را برده اند/۳۰
۲۵. تنلیس/آتش به جانم زدی ، من ، دل از تو ، آزرده دارم/۳۱
۲۶. بر گرد/افسانه ی قصه های بارانی من/۳۲
۲۷. غربت/من غریب ، اهل این وادی و سامان نیستم/۳۳
۲۸. پرید/صدایم زدی باز خواهم پرید/۳۴
۲۹. در خیال/برده را از پنجره وا کرده ام/۳۵
۳۰. کبوتر سرخ/من/گم کرده ام کبوتر سرخی ، که تا نداشت/۳۶
۳۱. خواهد آمد/با دلم گفتم حس غربی ، شک نکن آن یقین خواهد آمد/۳۷
۳۲. فردای پر فروغ ، تر است/به یادت ای همه خوبی ، دلم بسی تنگست/۳۸
۳۳. چلچراغ عشق/تا از شراب لعل لبیت نوش کرده ام/۳۹
۳۴. عشق شیرین/تو دوری ، از لبیت ، چشمت ، گل پیغام می روید/۴۰
۳۵. چه کنم/یلک را اگر نکنم سد تماشا چه کنم/۴۱

۳۶. گفتگو/خوش آن روزی که بی پروا، صمیمی گفتگو کردیم/۴۲
۳۷. حماسه ی جاوید/بیدار تا ششم من و دینم سپیده است/۴۳
۳۸. چشمت/اخم را از چهره ات وا کرده ای/۴۴
۳۹. بی تو بهار هم نمی آید/بهار آمدو از در، سری به خانه کشید/۴۵
۴۰. شهر درونم/یاران من، به شهر درونم سفر کنید/۴۶
۴۱. خاطره هایم/دارم سری به خلوت کورنگ می زنم/۴۷
۴۲. شکایت/دارم به دانگاه خدا زنگ می زنم/۴۸
۴۳. گذشت/من گفته ام که گوش به تلقین نمی کنم/۴۹
۴۴. من از دیدگاه من/نیلوفر ی سبزم اما، بنفشه وار نژندم/۵۰
۴۵. عقل گمراه/در عصر علم، عقل به شیطان سلام کرد/۵۱
۴۶. بلنتگی/دارد دلم برای خدا تنگ می شود/۵۲
۴۷. دسیسه/تا زخم های کهنه دهن باز کرده اند/۵۳
۴۸. دندان شیر/قانون جنگل، آتش زد، سخت جوشیدم/۵۴
۴۹. خطوط اخم/تا قهر می کنی، شب پائیز می شوم/۵۵
۵۰. شب هوس/وای از شبی که، ساده به گویم، سیاه بود/۵۶
۵۱. گم کرده ام/گم کرده ام عزیز دلم را باز، اما کجا، چگونه، نه می دانم/۵۷
۵۲. باران انتظار/شب تا سحر نه خفتم، سالی گذشت دوشم/۵۸
۵۳. قهر/روی از چه، سوی قهر بلا خیز می کنی/۵۹
۵۴. تکسوار/تکسوفه، جاوش جشن بهار می آید/۶۰
۵۵. نماز عروج/دلانگاز به غربت عرفان گریستند/۶۱
۵۶. چشم تماشا/ای یار مای آینه کردی/۶۲
۵۷. خواهش/فدای ناز لب، عاشقانه صحبت کن/۶۳
۵۸. از قهر از مجادله دم میزنی چرا/از قهر از مجادله دم میزنی چرا/۶۴
۵۹. سفر/قسم به نور، که امشب دلم چراغانی است/۶۵
۶۰. گور آفتاب/دیشب شفق به چشم ترم تار بسته بود/۶۶
۶۱. انتظار/شب قرار من و تو، شهاب وار گذشت/۶۷
۶۲. ناله اشک ها/خدا، آسمان، از چه رو، خنده دارد/۶۸
۶۳. شهر آفتاب/کوله بار عشق دلدارم به دوش/۷۰
۶۴. سارای عشق/در جویبار یخ زده ای زیر پای من/۷۲
۶۵. پرده/من آن پرده ی پر نیان سپیدم/۷۳
۶۶. مسافر پیر/شبی که دست خزان، پونه های بیشه شکست/۷۴
۶۷. معنا/از آلاله ها بی ریاتر تونی/۷۵
۶۸. اشک شوق خدا/یک زن کنار بستر بیماری پسر/۷۶
۶۹. دو خورشید در آسمان غدير/دیشب من و خیال و زمان هم سفر شدیم/۷۸
۷۰. مثنوی معاشقه/ای دو چشمانم براهت دوخته/۸۰
۷۱. عارفانه/هلا البرز ای زیبایی خفته/۸۳
۷۲. آه ای زمین، آه/امشب چرا ستاره قطبی/۸۵
۷۳. رباعیات/عشقم به سخن آمد و لال اش کردی/۸۸

بهم خالق زیبایی‌ها

من در محیطی پای به دنیا که تا ششم که قصبه ای کم جمعیت بود و پانی و سادی روستایی داشت. طبیعت دست نخورده و زیبا، آسمان آبی با ستارگان درخنده، طلوع و غروب شاعرانه، انسان را به سوی عشق به طبیعت سوق می داد، و من به شدت به این طبیعت زیبا عشق می ورزیدم.

دوران تحصیلات متوسطه من به دلیل نبودن دبیرستان در محل زندگی ام با دوری از خانواده و ازروا از دوستان سپری شد. به این ازروا باید غربت فزینگی را نیز افزود. در این دوران بهدم من غزلیات حضرت حافظ بود اثر آوای این غزلیات وجود مرا در گون کرد. با آهنگ این اشعار نغمه ای در دلم بجای می کرد. آوایی که از جنس احساس، از جنس عاطفه و از جنس عشق بود. در این نغمه درونی، آرزوهای درویشی، پنهانی، شادی و امیدهای بی گزانه من نهفته بود.

این نغمه درونی سالیان دارد دینه من موج می زد و دیر بختام به اوج رسید که باید در این مسیر از تاثیر عمیق نشینی و هم صحبتی عزیزانی در انجمن ادبی میلاد بهمان و موسس آن جناب آقای جواد محقق که با من احساس مشترک داشتند به خوبی یاد کنم.

دیدار با آنا، کتار آنا، باعث غنای بیشتر نغمه های درونی من شد. واروایی که از اعماق وجودم بر می خاستند و در سروده های من کجیندا به بوی مشق، طعم اشک و بخت را داشتند. «ای کاش آینه...» امیدوارم که جلایی باشد برای آینه وجودم و در عین ای باشد از دنیای درونم به سوی عزیزانی که این اشعار را خواهند خواند.

ابوالفتح کرمی

زمستان ۱۴۰۲

www.ketab.ir